

بمبئی

بواسطة جناب آقا میرزا محمود زرقانی علیہ بہاء اللہ الأبھی

جناب دکتور مظہر علی و حضرت سیّد جنابعلی علیہما بہاء اللہ الأبھی

ای دو مؤمن موقن ثابت حمد خدا را کہ از شعلہ نور ہدی سینای دل و جان روشن شد و وادی ایمن زجاجہ قلب لمعہ نور و شعلہ طور گشت لہذا بشکرانہ این ہدایت کبری و مہبت عظمی بکمال ہمت بنشر تعالیم الہی پردازید تا روز بروز بر تأیید و توفیق بیفزائید

در خصوص حرمت نکاح پسر بزوجات پدر مرقوم نموده بودید صراحت اینحکم دلیل بر اباحت دیگران نہ مثلاً در قرآن میفرماید حرم علیکم المیتة و الدّم و لحم الخنزیر دلیل بر آن نیست کہ خمر حرام نیست انتہی و در الواح سائرہ بصریح عبارت مرقوم کہ در ازدواج حکمت الہیہ چنان اقتضا مینماید کہ از جنس بعید باشد یعنی بین زوجین ہرچہ بعد بیشتر سلالہ قویتر و خوش سیماتر و صحت و عافیت بہتر گردد و این در فنّ طبّ نیز مسلمّ و محقق است و احکام طیبہ مشروع و عمل بموجب آن منصوص و فرض لہذا تا تواند انسان باید خویشی بجنس بعید نماید و چون امر بہائی قوت گیرد مطمئن باشید کہ ازدواج باقربا نیز نادر الوقوع گردد و در اینخصوص مکاتیب متعدّدہ مرقوم گردیدہ از جملہ مکتوب مفصّلی است چند سال پیش بہ بادکوبہ مرقوم شدہ آنرا تحرّی نمائید بیان مفصل است و قبل از تشکیل بیت عدل این احکام راجع بمركز منصوص است

و اما مسئلہ زنا در الواح الہیہ در مسئلہ فحشا بقدری زجر و عتاب و عقاب مذکور کہ بعد حصر نیاید کہ شخص مرتکب فحشا از درگاہ احدیت مطرود و در عالم مردود و در نزد یاران مذموم و نزد عموم بشر مردول است حتی در بعضی کلمات بیان خسران مبین و محرومیت ابدی است ولی در قصاص حکومتی و سیاسی چنین امری صادر نہ زیرا حکومت الآن در جمیع دنیا بزانی ابدأ تعرّض ننمودہ و نمینماید لہذا محکوم رسوای عالم نگردد این جزا بجهت آن است تا رذیل و رسوای عالم گردد محض تشہیر است و این اعظم عقوبت است اما بنصّ قرآن ابدأ زنا ثابت نگردد زیرا شہود اربعہ در آن واحد باید شہادت بتمکن تامّ از ہر جہت بدهند لہذا جز باقرار زنا ثابت نگردد آیا میتوان نسبت اندک عدم اہمیت بہ قرآن داد لا واللہ فأصنفوا یا اهل الانصاف

و اما مسئلہ طلاق میتواند شخص بکلی آنچه موافق رأیش ہست مجری دارد نہایتش اینست کہ زوجہ را یک سال بی سر و سامان نگذارد و این مثل عدّہ است نہایتش اینست کہ پیش مدّت تکلف نفقہ چند ماہ بود و حال یک سال است اما اگر جہتین کامل باشند و عوارضی در میان حاصل گردد کہ سبب برودت شود در فصل تامّ تعجیل نکنند یک سال صبر نمایند شاید آن عوارض زائل گردد و دوبارہ الفت حاصل شود

اما مسئلہ موارث این تقسیم در صورتی است کہ شخص متوفّی وصیتی ننماید آنوقت این تقسیم جاری گردد ولی ہر نفسی مکلف بر وصیت است بلکہ فرض و واجب است و صریح نصوص الہیہ کہ در حالت صحت خویش باید حکماً وصیت نماید و بحسب میل خودش ہر نوعی کہ بخواہد وصیت نماید و آن وصیت نامہ را مختوم بدارد و بعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد در اینصورت شخص متوفّی میدانی واسع دارد کہ در زمان حیات خود بہر قسمی کہ میل دارد وصیت نماید تا مجری شود و علیکمما بہاء اللہ الأبھی

فی ۱۰ اذار ۱۹۱۹

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](#) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۴ ژانویه ۲۰۲۴، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر